



فراگیری ساختارهای برآیندی توسط فراگیران انگلیسی فارسی‌زبان: تعامل نحو - معنا

محمدجواد رضایی*

(نویسندهٔ مسئول)

دانشیار زبانشناسی کاربردی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه یزد،

یزد، ایران

Email: mrezai@yazd.ac.ir



زهرا فرجام**

دانش‌آموخته آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه یزد،

یزد، ایران

Email: farjam.zahra@gmail.com



چکیده

ساختارهای برآیندی دربردارنده تنوع ساختاری گوناگونی در سطح تعامل نحو و معنا بوده و دارای ناهمگونی‌های بین زبانی است. مطالعه کنونی به بررسی فراگیری انواع مختلف ساختارهای برآیندی توسط فراگیران انگلیسی فارسی زبان می‌پردازد. به‌دلیل نبود ساخت‌های سببی و غیر سببی برآیندی در زبان فارسی، فراگیران می‌توانند در تولید و درک انواع مختلف این ساختار با چالش‌هایی مواجه شوند. این پژوهش به بررسی موارد ذیل پرداخت: (الف) فراگیری انواع گوناگون ساختارهای برآیندی بر اساس تعامل نحو-معنا؛ (ب) تاثیر بسندگی زبانی در تولید و درک انواع گوناگون این ساختارها؛ (ج) تعیین پرچالش‌ترین ساختار برآیندی و (د) تاثیر زبان اول در تولید ساختارهای برآیندی. بدین منظور، با بهره‌گیری از شیوه تحقیق کمی و طرح نیمه تجربی غیر مداخله‌ای تعداد ۶۸ داوطلب در آزمون ترجمه شرکت کردند. نتایج نشان داد که فراگیران از ساختارهای برآیندی جهتی تا حد قابل توجهی استفاده می‌کنند ولی در مورد ساختارهای برآیندی مشخصه‌ای، از انواع ساختارهای جایگزین استفاده می‌نمایند. فراگیران در تولید ساختارهای برآیندی شبه انعکاسی با بیشترین چالش مواجه بودند. بسندگی زبانی نیز تاثیر معنی‌داری در تولید ساختارهای برآیندی داشت. یافته‌های این پژوهش چالش‌های مرتبط با رابطه نحو-معنا را در فراگیری زبان دوم آشکار می‌کند و در بردارنده پیامدهای آموزشی برای فراگیران و طراحان مطالب درسی در بافت زبان فارسی است.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۰۵/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۲۵

تاریخ انتشار: پاییز ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

ساختار برآیندی، برآیندی
مشخصه‌ای، برآیندی جهتی،
برآیندی شبه‌انعکاسی،
فراگیران انگلیسی فارسی
زبان

شناسه دیجیتال DOI: 10.22059/jflr.2020.308365.745 کلیه حقوق محفوظ است ۱۳۹۹

رضایی، محمدجواد، فرجام، زهرا (۱۳۹۹). فراگیری ساختارهای برآیندی توسط فراگیران انگلیسی فارسی‌زبان: تعامل نحو-معنا. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، (۱۰) ۳، ۵۷۴-۵۸۷.

Rezaei, Mohammad Javad, Farjam, Zahra (2020). Acquisition of Different Kinds of Resultatives by Persian EFL Learners: Syntax-Semantics Interface. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (3), 574-587.

DOI: 10.22059/jflr.2020.308365.745

* محمد جواد رضایی دکترای زبانشناسی کاربردی از دانشگاه اسکس انگلستان و عضو هیات علمی گروه زبان انگلیسی دانشگاه یزد است. حوزه پژوهشی وی مطالعات یادگیری زبان دوم و روانشناسی زبان است.

** زهرا فرجام کارشناس مترجمی زبان انگلیسی از دانشگاه جهرم و دانش‌آموخته آموزش زبان انگلیسی از دانشگاه یزد است و در حال حاضر به تدریس در آموزشگاه بهار شیراز اشتغال دارد.



Acquisition of Different Kinds of Resultatives by Persian EFL Learners: Syntax-Semantics Interface



Mohammad Javad Rezai*

(corresponding author)

Associate professor of Applied Linguistics, English Department, Yazd University, Yazd, Iran

Email: mrezaei@yazd.ac.ir



Zahra Farjam**

Graduated in TEFL, English Department, Yazd University, Yazd, Iran

Email: farjam.zahra@gmail.com

ABSTRACT

Resultative constructions represent magnitude of variations at the interface of syntax and semantics and are subject to cross-linguistic variations. The current study investigates the acquisition of different types of resultative constructions by Persian EFL Learners. Due to lack of causative and non-causative property resultatives in Persian, L2ers may face difficulties in producing and perceiving different categories of such constructions. This study inspects (a) the acquisition of different categories of resultative constructions on the syntax-semantics interface, (b) the impact of proficiency on rendering various types of resultative constructions by EFL learners, (c) the most difficult and problematic categories of such constructions, and (d) the impact of L1 on production of resultatives by Persian EFL learners. To this end, using quantitative method and non-interventionist quasi-experimental design, 68 participants completed a translation task. Results indicated that L2ers produced path resultatives to a considerable extent while resorting to various substitute constructions in the case of property resultatives including prepositions like till and until to indicate the result phrase. The L2ers faced difficulties producing fake reflexive resultative constructions. Proficiency revealed a significant effect on the production of resultative constructions. The findings of the study reveal the challenges associated with the syntax-semantics interface in SLA and entails pedagogical implications for teachers and material developers in Iranian community.

DOI: 10.22059/jflr.2020.308365.745

© 2020 All rights reserved.

ARTICLE INFO

Article history:

Received:

18th, August, 2020

Accepted:

15th, September, 2020

Available online:

Autumn 2020

Keywords:

Resultative Constructions; Property Resultatives; Path Resultatives; Fake-Reflexive resultatives; Persian EFL learners

Rezai, Mohammad Javad, Farjam, Zahra (2020). Acquisition of Different Kinds of Resultatives by Persian EFL Learners: Syntax-Semantics Interface. *Journal of Foreign Language Research*, 10 (3), 574-587.

DOI: 10.22059/jflr.2020.308365.745

* Mohammad Javad Rezai holds a PhD in Applied Linguistics from the University of Essex, England and is a faculty member of English Department, Yazd University. His research areas include second language acquisition and psycholinguistics.

** Zahra Farjam holds a BA degree in English translation from Jahrom University and is a graduate of TEFL from Yazd University. She currently teaches English at Bahar Institute, Shiraz.

۱. مقدمه

تقویت ظرفیت زبانی مستلزم دانش نحوی، واژگانی و برخورداری از مکانیسم‌های شناختی لازم در درک و استفاده از زبان است. به نقل از توئل (۲۰۰۳، ص ۲۲۱)، "نحو ساختار گرامر را تعیین می‌کند ولی موارد واژگانی چگونگی استفاده از ساختار را تعیین می‌کنند". هر نوع تغییر در ترتیب عناصر جمله می‌تواند موجب تغییر متفاوت در معنای جمله شود. بنابراین، نحو و معنا با یکدیگر در ارتباطند. تعامل گرامر و معنا در ذهن سخنگویان در راستای درک و تولید زبان دوم بهترین گواه بر تعامل معنا و نحو است. از اینرو، بر فراگیران لازم است تا در فرایند یادگیری هر ساختاری تعامل نحو و معنای مربوطه را درک کنند؛ در غیر این صورت این امر منجر به تولید ساختارهای نادرست و غیر بومی خواهد شد.

از نظر گلدبرگ (۲۰۰۳)، هر نوع انطباق پریسامد شکل و نقش به عنوان ساختار محسوب می‌شود. از دیدگاه گلدبرگ و جکنداف (۲۰۰۴)، ساختارها مانند اصطلاح عمل می‌کنند و دارای شکل خاصی هستند که با معنای خاص تداعی می‌شوند.

ساختار برآیندی (resultative) نوعی ساختار نحوی است که در بردارنده فعل و متمم برآیندی است (مثال ۱). این نوع ساختار دارای گوناگونیهای متنوعی بر مبنای تعامل نحو-معنا است. علاوه بر این، در همه زبانها ساختارهای برآیندی مجاز نیست. برخی زبانها همانند زبان انگلیسی انواع گوناگون این ساختار را مجاز میدانند در حالیکه برخی زبانهای دیگر دارای الگویی متغیر بوده و فقط انواع خاصی از چنین ساختارهایی را استفاده میکنند. به نظر میرسد زبان فارسی دارای الگویی متغیر بوده که به نوبه خود می‌تواند مشکلات خاصی را در فراگیری زبان ایجاد کند.

1- John hammered the metal flat

از دیدگاه گلدبرگ و جکنداف (۲۰۰۴، ص ۲۶۴)، تنوع فراوانی در ساختارهای برآیندی به خصوص در ساختارهای برآیندی مشخصه ای (property) وجود دارد. لازم است بسیاری از نمونه‌های خاص و مقولات کوچک این ساختار را

تک تک فرا گرفت و به حافظه سپرد.

پژوهش فعلی به بررسی پیرامون امکان یادگیری تعامل معناشناسی و نحو به همراه ساختارها و محدودیتهای مرتبط با آن می‌پردازد. جهت بررسی این موارد، به نظر می‌رسد که ساختارهای برآیندی نمونه مناسبی در بین سایر موارد باشد چرا که تا حد زیادی به لحاظ درون زبانی و برون زبانی با یکدیگر متفاوتند. علاوه بر این، در خصوص شکل‌گیری انواع مختلف آن محدودیت‌های معنایی و نحوی زیادی به چشم می‌خورد. با توجه به موارد فوق، سوالات ذیل در پژوهش فعلی مورد بررسی قرار گرفت:

۱. تا چه اندازه فراگیران انگلیسی فارسی زبان قادر به یادگیری مقوله‌های متعدد ساختارهای برآیندی هستند؟
۲. چگونه زبان اول بر فراگیری ساختارهای برآیندی تاثیر می‌گذارد؟
۳. کدام یک از مقوله‌های ساختارهای برآیندی برای فراگیران زبان دوم دشوارتر است؟
۴. آیا بسندگی زبانی بر فراگیری انواع گوناگون ساختارهای برآیندی تاثیر گذار است؟

۲. پیشینه تحقیق

۲-۱- ویژگیهای توزیعی ساختارهای برآیندی

ساختارهای برآیندی که در تعامل نحو و معنا قرار دارند بر تغییر در حالت یا مکان گروه اسمی پسافعلی به عنوان گروه نتیجه دلالت دارد. گروه نتیجه محور اصلی ساختارهای برآیند انگلیسی است و به واسطه عمل فعل ایجاد میشود (مثال‌های ۲ تا ۵ را ملاحظه کنید). گروه نتیجه را عبارت برآیندی (resultative phrase) می‌نامند.

از نظر معنایی، آن دسته از عبارت‌های برآیندی که بر تغییر حالت گروه اسمی پسافعلی دلالت دارد منجر به تشکیل ساختارهای برآیندی مشخصه ای (۲ و ۴) می‌شود و مواردی که بر تغییر مکان گروه اسمی پسافعلی مربوط می‌شود ساختارهای نتیجه‌ای جهتی (path) (۳ و ۵) را به وجود

می‌آورد. بنابراین گروه اسمی پسافعلی میزبان تغییر در تمامی عبارتهای برآیندی است. گروه برآیندی را می‌توان از طریق گروه صفتی (AP)، گروه اضافی (PP) و یا گروه اسمی (NP) نشان داد.

از منظر نحوی، ساختارهای برآیندی را عمدتاً به دو گونه گذرا یا سببی و ناگذرا یا غیرسببی دسته بندی می‌کنند (گلدبرگ و جکنداف، ۲۰۰۴؛ راندل و کریر، ۱۹۹۲). در ساختارهای برآیندی گذرا (۲ و ۳)، عبارت برآیندی به دنبال گروه اسمی پسافعلی که مفعول مستقیم فعل است می‌آید. در این نوع ساختار، فاعل عامل یا مسبب عمل فعل است. در ساختارهای ناگذرا (۴ و ۵)، عبارت برآیندی بلافاصله به دنبال فعل می‌آید؛ از اینرو، هیچ نوع مفعول مستقیم در این ساختار وجود ندارد و تنها عبارت پسافعلی، گروه برآیندی است. عامل یا مسبب عمل فعل رویدادی طبیعی است که به صورت ضمنی فهمیده می‌شود. این نوع ساختارها را غیر سببی می‌نامند.

برآیندی گذرا

2- The man wiped the table clean.

گروه اسمی پسافعلی + عبارت برآیندی (گروه صفتی)

3- Tom rolled the ball down the hill.

گروه اسمی پسافعلی + عبارت برآیندی (گروه اضافی)

برآیندی ناگذرا

4- The pond froze solid.

عبارت برآیندی (گروه صفتی)

5- The ball rolled down the hill.

عبارت برآیندی (گروه اضافی)

اگرچه در ساختارهای برآیندی ناگذرا، گروه اسمی پسافعلی وجود ندارد ولی همانند ساختارهای گذرا میزبان تغییر موضوع درونی فعل مفعول زیرساختی است که در جایگاه نهاد قرار گرفته است. بنابراین، لازمه شکل گیری ساختارهای برآیندی وجود مفعول است که یا به صورت زیر ساختی و یا روساختی حضور دارد (سیمپسون، ۱۹۸۳).

این نوع ساختارهای برآیندی ناگذرا (۴ و ۵)، همراه با دسته فاعل ناپذیر (unaccusative) افعال ناگذرا به کار می‌

روند. به علت برخورداری از مفعول زیربنایی این دسته از افعال ناگذرا را می‌توان در ساختارهای برآیندی به کار برد.

با در نظر داشتن فرضیه فاعل ناپذیری، افعال ناگذرا دربردارنده دو دسته فعل فاعل ناپذیر و مفعول ناپذیر (unergative) است. این دسته از افعال ناگذرا صرفاً دارای یک موضوع نهاد روساختی هستند. تنها موضوع افعال فاعل ناپذیر کنش پذیر (theme) است که به جایگاه نهاد حرکت داده می‌شود. بنابراین، افعال فاعل ناپذیر شرایط لازم را جهت تشکیل ساختارهای برآیندی دارا هستند در صورتیکه دسته دیگر افعال ناگذرا -افعال مفعول ناپذیر- دارای صرفاً یک موضوع عاملی (agent) بوده و در نتیجه فاقد شرایط لازم برای شرکت در ساختارهای برآیندی هستند.

بر طبق نظر سیمپسون (۱۹۸۳)، روشی برای تشکیل ساختارهای برآیندی با استفاده از افعال مفعول ناپذیر وجود دارد که مربوط به استفاده از مفعول انعکاسی است. استفاده از این نوع مفعول بدین معناست که فردی با انجام مکرر عملی باعث می‌شود تا به عبارت برآیندی تبدیل شود. به مثال ذیل توجه کنید.

6- I danced myself tired.

ساختار فوق را برآیندی شبه انعکاسی (Fake reflexive) می‌نامند. وجود مفعول شبه انعکاسی در این نوع ساختار الزامی بوده و نمی‌توان آن را حذف (V) و یا با هر گروه اسمی دیگری (۸) جایگزین نمود.

7- * I danced tired.

8- * I danced Tom tired.

ساختارهای برآیندی را می‌بایست از ساختارهای به ظاهر مشابه که همان ساختارهای ترسیمی (depictive) است متمایز نمود (۹).

9- John ate the meat raw.

(ساختار ترسیمی = گروه صفتی که بر حالت گروه اسمی در زمان انجام عمل فعل دلالت دارد.)

در ساختارهای برآیندی عبارت برآیندی (گروه صفتی یا گروه اضافی) به واسطه موضوع بندی فعلی تعیین می‌شود و در نتیجه عمل فعل، حالت نهایی مفعول را توصیف می‌کند. بنابراین، جمله شماره (۲) بدین معناست که آن مرد به واسطه

تمیز کردن میز باعث شد تا میز تمیز شود در صورتیکه در ساختارهای ترسیمی گزاره ترسیمی یا عبارت ترسیمی (مثلاً raw) به وضوح نقش افزوده (adjunct) دارد و وضعیت کنونی مفعول را در هنگام شروع عمل فعل توصیف می‌کند. از اینرو، جمله ترسیمی فوق (۹) بدین معناست که "جان گوشت را خورد و حالت گوشت در زمان خوردن خام بود" (گلدبرگ و جکنداف، ۲۰۰۴؛ مولر، ۲۰۰۲؛ لی، ۱۹۹۵؛ ژانگ، ۲۰۰۱).

با توجه به تنوع واژگانی گسترده، برای تشکیل ساختارهای برآیندی همه نوع صفتی را نمی‌توان با تمامی انواع افعال به کار برد (بواس، ۲۰۰۳؛ گلدبرگ و جکنداف، ۲۰۰۴؛ لوین، ۲۰۱۳؛ راندال و کریر، ۱۹۹۲؛ وچسلر، ۲۰۰۵). از نظر بواس (۲۰۰۳)، نمی‌توان هر دسته از افعال را به عنوان انواع مختلف ساختارهای برآیندی به کار برد. برخی افعال گرایش زیادی به استفاده از گروه صفتی دارند در حالی که برخی دیگر به استفاده از گروه اضافی در ساختارهای برآیندی گرایش نشان می‌دهند. برخی افعال همانند dye و paint استفاده از هم گروه اسمی و هم گروه صفتی را در جایگاه عبارت برآیندی مجاز می‌دانند.

۲-۲- ساختارهای برآیندی در زبان فارسی

در زبان فارسی استفاده از ساختارهای برآیندی جهتی در حالت‌های سببی و غیر سببی مجاز است.

ساختارهای برآیندی سببی جهتی {فاعل+ گروه اسمی+ عبارت برآیندی + فعل}

(۱۰) او توپ را به بالای تپه غلتاند. گروه اسمی+ عبارت برآیندی (گروه اضافی)

ساختارهای نتیجه‌ای غیر سببی جهتی {گروه اسمی+ عبارت برآیندی + فعل}

(۱۱) توپ به پایین تپه غلتید. گروه اسمی+عبارت نتیجه‌ای (گروه اضافی)

در مقابل، زبان فارسی استفاده از ساختارهای برآیندی مشخصه‌ای را مجاز نمی‌داند چونکه این زبان جایگاهی برای ساختار پیچیده برآیند ثانویه که بر گزاره دلالت داشته باشد

ندارد (فولی، هارلی و کریمی، ۲۰۰۵). در جمله ذیل، نمونه‌ای از تولید ساختار برآیندی انگلیسی جهت جمله The man hammered the table flat به زبان فارسی ارائه می‌شود. (۱۲) آن مرد فلز را چکش زد.

همانطورکه جمله فوق نشان می‌دهد، زبان فارسی هیچ جایگاهی برای عبارات برآیندی مشخصه‌ای ندارد. فولی و همکاران (۲۰۰۵) جمله زیر (۱۳) را پیشنهاد دادند و اظهار داشتند که چنین گزاره‌هایی به ساختارهای ترسیمی منتج می‌شود که در هر دو زبان وجود دارد. از اینرو، گزاره ترسیمی ثانویه در زبان فارسی مجاز است ولی گزاره برآیندی ثانویه مجاز نیست.

(۱۳) The man hammered the metal flat. - الف

ساختار نتیجه انگلیسی

ب - معادل فارسی: آن مرد فلز را صاف چکش زد

(صاف= گزاره ترسیمی)

از نظر فولی و همکاران (۲۰۰۵)، تنها روش بیان رویداد برآیندی در زبان فارسی افزودن جمله‌واره نتیجه ذیل است: ج - آن مرد فلز را چکش زد تا صاف شد.

۲-۳- مطالعات پیشین

پژوهش‌های چندانی در مورد فراگیری ساختارهای برآیندی توسط فراگیران زبان دوم صورت نگرفته است. با وجود این، مطالعات مقابله‌ای در سایر زبان‌ها به چشم می‌خورد همانند انگلیسی و آلمانی (بواس، ۲۰۰۳)؛ انگلیسی و چینی (ژانو و یوان، ۲۰۰۹) و انگلیسی و ژاپنی (ناکازاوا، ۲۰۰۸). در پژوهش صورت گرفته توسط متولیان (۱۳۹۲) در خصوص الگوهای کاهش ظرفیت فعلی در زبان فارسی به ساختارهای برآیندی نیز پرداخته شده است. برخی افعال از طریق فرایند کاهش ظرفیت ساخت ضد سببی (anti-causative) را شکل می‌دهند و امکان تبدیل به ساختار ضد سببی ایستا یا صورت برآیندی (صفت + فعل اسنادی بودن) را خواهند داشت (جمله ۱۴ الف و ب). از این نظر، الگوهای برآیندی به کاهش ظرفیت فعل منجر می‌شوند.

(۱۴) الف- علی در را باز کرد.

ب - در باز است.

سانچز و پرزباریگا (۲۰۱۶) پژوهشی در خصوص فراگیری ساختارهای برآیندی انگلیسی توسط اسپانیایی زبان‌ها انجام دادند. نتایج حاصله نشان داد که هرچند سخنگویان اسپانیایی قادر به درک چنین ساختارهایی هستند، ولی در یادگیری محدودیت‌های مرتبط با کاربرد شبه انعکاسی‌ها در چنین ساختارهایی دچار مشکل هستند.

کیم، کو و یانگ (۲۰۱۹) مطالعه‌ای در خصوص غایت‌مندی (telicity) و حالت ادغام (merge) در فراگیری ساختارهای برآیندی توسط فراگیران کره‌ای زبان انجام دادند. هدف از این پژوهش بررسی این مطلب بود که چگونه تفاوت‌های معنایی و نحوی بین زبان اول و دوم می‌تواند بر فراگیری ساختارهای برآیندی تأثیر گذارد. نتایج نشان داد که برعکس گویشوران بومی انگلیسی، فراگیران کره‌ای گرایش به استفاده از ساختارهای افزوده دارند و این نوع ساختارها را به صورت رویدادهای غیر غایت‌مند برداشت می‌کنند. این پژوهش نقش زبان اول را در ایجاد چنین ساختارهایی تأیید نمود. علاوه بر این، نقش معناشناسی زبان اول (غایت‌مندی) در فراگیری زبان دوم مورد تأیید قرار گرفت.

در پژوهشی دیگر، کیم و سانگ (۲۰۱۹) به ارائه تحلیل استفاده-محور (usage-based) از ساختارهای برآیندی پرداختند. در مدل استفاده-محور، یادگیری با موارد آشکار و پربسامد آغاز شده و به فراگیری دانش انتزاعی ساختارهای پیچیده و کم بسامدتر ختم می‌شود. هدف این پژوهش، چگونگی یادگیری این ساختار نسبتاً پیچیده بود و اینکه آیا فراگیران زبان دوم می‌توانند با افزایش بسندگی زبانی نوع فعل انتخابی را در استفاده از ساختارهای برآیندی بهبود بخشند. نتایج نشان داد که با افزایش بسندگی زبانی فراگیران زبان دوم از تعداد زیادی از افعال کم بسامد استفاده می‌کنند. در مجموع، نتایج حاصله نظریات استفاده-محور را در یادگیری زبان مورد تأیید قرار داد.

تا آنجایی که پژوهشگران حاضر اطلاع دارند، هیچ نوع مطالعه‌ای مربوط به یادگیری این ساختار انگلیسی توسط

فراگیران فارسی‌زبان صورت نگرفته است. لذا با توجه به خلأهای موجود در این زمینه، انجام این پژوهش ضروری خواهد بود.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده در این پژوهش به صورت کمی بود و از طرح نیمه تجربی غیرمداخله‌ای استفاده شد. جهت سنجش دانش مربوط به ساختار برآیندی فراگیران فارسی‌زبان، ۶۸ دانشجوی کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه سراسری یزد که به ترتیب شاغل به تحصیل در رشته‌های زبان و ادبیات انگلیسی و آموزش زبان انگلیسی بودند انتخاب شدند. تمامی شرکت‌کنندگان در آزمون تعیین سطح سریع آکسفورد شرکت نمودند. بر مبنای نتایج حاصله، شرکت‌کنندگان در دو گروه متوسط و پیشرفته زبانی (۳۴ نفر متوسط و ۳۴ نفر پیشرفته) قرار گرفتند.

آزمون ترجمه به تعداد ۲۰ سوال به منظور سنجش توانایی کاربردی فراگیران در استفاده از انواع گوناگون ساختارهای برآیندی طراحی شد. ساختارهای برآیندی به لحاظ معنایی به دو مقوله مشخصه‌ای و جهت‌ی تقسیم شدند و از طرف دیگر، به لحاظ نحوی به دو مقوله گذرا و ناگذرا یا ساختارهای سببی و غیر سببی دسته بندی شدند. این دسته بندی ساختارهای نتیجه‌ای در تعامل نحو-معنا واقع شده و از این رو به چهار دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: ساختارهای برآیند مشخصه‌ای سببی و غیر سببی و ساختارهای برآیند جهت‌ی سببی و غیر سببی. علاوه بر این، نوع خاصی از ساختارهای برآیندی دیگری هم تحت عنوان ساختارهای نتیجه شبه انعکاسی به سوالات افزوده شدند. توزیع سوالات در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- توزیع مقوله‌های مختلف ساختارهای برآیندی در آزمون ترجمه

نوع مقوله	مشخصه‌ای سببی	مشخصه‌ای غیر سببی	جهتی سببی	جهتی غیر سببی	شبه انعکاسی
تعداد سوال	۴	۴	۴	۴	۴
نوع عبارت برآیندی	گروه صفتی (AP)	گروه صفتی (AP)	گروه اضافی (PP)	گروه اضافی (PP)	گروه صفتی و اضافی (AP & PP)

معادل واژه‌های مهم در هر یک از جملات آزمون ترجمه برای شرکت کنندگان ارائه شد تا مشکلات معادل یابی واژگانی پاسخ دهندگان در انتخاب واژگان به حداقل برسد و شرکت‌کنندگان به تولید ساختار دستوری موردنظر ترغیب شوند (جدول ۲). علاوه بر این، جهت جلوگیری از ایجاد مشکل در انتخاب نوع زمان در ترجمه همه جملات این آزمون به زمان گذشته تنظیم شدند.

پس از انتخاب نمونه‌های ساختار برآیندی در هر مقوله، یک متخصص زبان و ادبیات فارسی صحت و طبیعی بودن جملات برآیندی را بررسی و روایی آزمون را تایید نمود. آخرین مرحله در تهیه سوالات، تصادفی سازی بود که پس از آن نسخه نهایی آماده شد. برخی از سوالات آزمون ترجمه به همراه معادل‌های فارسی آنها در جدول ۲ نمایش داده شده است.

جدول ۲- ساختارهای نتیجه ای انگلیسی و معادل فارسی آنها

نوع ساختار برآیندی	انگلیسی	معادل فارسی
مشخصه ای سببی	Tom wiped the table clean.	تام میز را دستمال کشید تا تمیز شد.
مشخصه ای غیر سببی	The saucepan boiled dry.	ماهیتابه آنقدر جوشید تا بی آب شد.
جهتی سببی	John knocked the vase onto the floor.	جان گلدان را به زمین کوبید.
جهتی غیرسببی	Water rushed under the bridge.	آب از زیر پل عبور می کرد.
شبه انعکاسی	Sheila shouted herself hoarse.	شیلا آنقدر فریاد زد تا صدایش گرفت.

بررسی ترجمه‌های شرکت کنندگان طیف متنوعی از ساختارهای تولید شده در هر مقوله را بدست داد که در بر دارنده ساختارهای برآیندی، ساختارهای جایگزین و ساختارهای نادرست بود. منظور از ساختارهای جایگزین استفاده از جملات پرسامدی از شکل و نقش بود که به جای ساختار برآیندی از آن استفاده شده بود. ساختارهای جایگزین رایج در این پژوهش به ۹ گروه دسته بندی شدند که عبارتند از: جمله‌واره‌های نتیجه‌ای (so that)؛ جمله‌واره‌های علت (as/because)؛ سایر حروف اضافه (till/until)؛ افعال

سببی (make, cause, render)؛ کلمات ربط (and)؛ مصدر؛ افعال چند کلمه ای؛ سایر ساختارهای نتیجه ای و سایر ساختارهای قابل قبول مانند فعل ing دار.

۴. نتایج

در این قسمت، به نتایج توصیفی و تحلیلی داده‌ها پرداخته می شود. نتایج توصیفی که در جدول ۳ ترسیم شده است حاکی از آن است که در مورد ساختارهای برآیندی مشخصه ای، فراگیران پیشرفته توانستند تا حد قابل قبولی (۳۴/۵۵) ساختارهای سببی مشخصه ای را نسبت به فراگیران متوسط (۱۱/۷۶) تولید کنند. همچنین، در ساختارهای غیر سببی مشخصه ای هر دو گروه عملکرد ضعیفی داشتند هر چند که فراگیران پیشرفته در تولید عملکرد بهتری (۱۷/۶۴) نسبت به فراگیران متوسط (۲/۹۴) داشتند.

عملکرد فراگیران در ساختارهای جهتی نشان داد که هم فراگیران متوسط و هم پیشرفته می توانند ساختارهای برآیندی سببی و غیر سببی جهتی را تا حد قابل توجهی به کار برند. میانگین کلی در این دو ساختار ۶۳/۶۰ بود.

پیچیده ترین مقوله برآیندی برای فراگیران ساختار شبه انعکاسی بود و هیچ یک از دو گروه نتوانست این نوع ساختار را بکار گیرد. فراگیران متوسط ساختارهای سببی جهتی را بیش از سایر مقولات به کار بردند (۶۳/۹۷) در حالیکه حدود یک چهارم پاسخ‌ها ۲۵/۷۷ نادرست بود. در مقابل، فراگیران پیشرفته توانستند ساختارهای غیر سببی جهتی را بیش از سایر مقولات برآیندی به کار برند (۶۹/۱۱).

جدول ۳- کاربرد صحیح ساختارهای برآیندی توسط فراگیران فارسی زبان

	سببی	غیر سببی	سببی جهتی	غیر سببی جهتی	انعکاسی - ساختگی
گروه متوسط	۱۱/۷۶ (۱۴/۰۸)	۲/۹۴ (۱۰/۲۳)	۶۳/۹۷ (۲۳/۹۸)	۵۸/۰۹ (۲۰/۱۵)	۰/۰۰ (۰/۰۰)
گروه پیشرفته	۳۴/۵۵ (۳۵/۸۹)	۱۷/۶۴ (۳۳/۴۴)	۶۳/۲۳ (۲۴/۰۲)	۶۹/۱۱ (۲۰/۶۴)	۲/۹۴ (۱۳/۴۳)
میانگین کل	۲۳/۱۶ (۲۹/۳۹)	۱۰/۲۹ (۲۵/۶۳)	۶۳/۶۰ (۲۳/۸۲)	۶۳/۶۰ (۲۰/۹۰)	۱/۴۷ (۹/۵۴)

* اعداد داخل پرانتز انحراف معیار را نشان می دهد.

از تحلیل واریانس ترکیبی دو طرفه بین گروهی و درون گروهی جهت بررسی تفاوت‌های ساختاری و تاثیر بسندگی زبانی بر تولید انواع مختلف ساختارهای برآیندی استفاده شد. آزمون برابری لوین فرضیات نرمالیتی در مورد ساختار مسیری سببی و غیر سببی را تایید نمود ($p > 0.05$) ولی در مورد سایر مقولات این فرض مورد تایید قرار نگرفت ($p < 0.05$). نتایج حاصله نشان داد که بافت ساختارهای نتیجه ای به لحاظ آماری معنی دار است، [Wilk's Lambda=0.073, $F=2.01$, $p=0.000$]. مقدار مربع اتا 0.93 بود که حاکی از میزان تاثیر بالاست.

بین بافت ساختارهای نتیجه ای و بسندگی زبانی تعامل معناداری همراه با میزان تاثیر بالا ($\eta^2=0.142$) مشاهده شد، [Wilk's Lambda=0.858, $F=2.59$, $p=0.045$]. بدنبال آن، نتایج تحلیل واریانس یک طرفه مشخص نمود که در مورد هر دو گروه تمایز معنی داری بین ساختارهای سببی مشخصه ای و بقیه ساختارهای موجود

وجود دارد ولی در خصوص ساختارهای سببی و غیر سببی جهتی هیچ نوع تفاوت معنی داری نیست ($p > 0.05$). همچنین، تفاوت معنی داری بین ساختارهای غیر سببی مشخصه ای و شبه انعکاسی وجود نداشت. بقیه ساختارهای مورد بررسی در هر دو گروه با یکدیگر اختلاف معنی داری داشتند.

عامل بسندگی زبانی تاثیر معنی داری ($p=0.002$) در بافت ساختارهای برآیندی همراه با میزان تاثیر متوسط داشت ($\eta^2=0.13$). از اینرو، فراگیران پیشرفته در تولید انواع گوناگون ساختارهای برآیندی عملکرد موفق تری داشتند.

جهت تعیین نوع ساختارهای جایگزینی استفاده شده از سوی فراگیران فارسی زبان، نتایج حاصله در مورد پنج ساختار فوق (جدول سوم) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. هر کدام از این ساختارها به ترتیب در این بخش مورد بررسی قرار گرفته است. جدول ۴ به بررسی ساختارهای جایگزینی مرتبط با ساختارهای سببی مشخصه ای می‌پردازد.

جدول ۴- انواع ساختارهای جایگزین تولید شده در ساختارهای برآیندی سببی مشخصه ای

متوسط	پیشرفته	میانگین کل	تعداد فراگیران	تعداد ساختارهای نتیجه ای	جمله‌واره نتیجه	جمله‌واره علت	تایید حروف اضافه	افعال سببی	کلمات ربط	مصدر	افعال چند کلمه ای	سایر پاسخهای درست	ساختارهای غلط
۱۱/۸۶	۳۴/۵۶	۲۳/۱۶	۰/۸۳	۴/۴۱	۳/۶۸	۴۳/۳۸	۳/۶۸	۰/۸۳	۹/۵۶	۰/۷۳	۴/۴۱	۱۶/۹۱	
۷/۳۵	۰/۰۰	۳۱/۹۸	۰/۷۳	۲۰/۵۹	۲/۲۰	۲۰/۵۹	۰/۷۳	۳/۶۸	۴/۴۱	۸/۰۸	۲/۲۰	۱۶/۱۸	
۰/۳۷	۲۳/۱۶	۲/۲۰	۵/۸۸	۲/۲۰	۲/۲۰	۳۱/۹۸	۲/۲۰	۴/۰۴	۲/۲۰	۸/۸۲	۱/۴۷	۱۶/۵۴	

فراگیران پیشرفته تا حد قابل قبولی (میانگین=۳۴/۵۵) توانستند ساختارهای سببی مشخصه ای را بکار گیرند در صورتی که درصد عملکرد صحیح فراگیران متوسط حدود یک سوم فراگیران پیشرفته بود. همچنانکه از جدول ۴ پیداست، رایجترین ساختار جایگزین در تولید این ساختار از سوی هر دو گروه استفاده از سایر حروف اضافه *until* و *till* بود (میانگین=۳۱/۹۸). بدنبال آن ساختارهای مصدری تا اندازه ای از سوی هر دو گروه استفاده شد (میانگین=۸/۸۲). جدول ۵ به بررسی انواع ساختارهای جایگزینی مرتبط

با غیر سببی‌های مشخصه ای می‌پردازد. در تولید شکل صحیح این ساختار، فراگیران پیشرفته به میزان قابل توجهی عملکرد بهتری نسبت به فراگیران متوسط داشتند (اختلاف میانگین = ۱۴/۷۱). همانند ساختار قبلی (سببی مشخصه ای)، هر دو گروه عمدتاً سایر حروف اضافه (*until* و *till*) را به عنوان ساختار جایگزین به کار گرفتند (میانگین=۳۴/۹۳). بدنبال این ساختار، حدود ۱۴ درصد از پاسخ دهندگان از کلمه ربط (و) در این ساختار استفاده نمودند.

جدول ۵- انواع ساختارهای جایگزین تولید شده در ساختارهای برآیندی غیرسببی مشخصه ای

ساختارهای غلط	سایر پاسنهای درست	افعال چند کلمه ای	مصدر	کلمات ربط	افعال سببی	سایر حروف اضافه	جمله‌واره علت	جمله‌واره نتیجه	سایر ساختارهای نتیجه ای	ساختار برآیندی صحیح	
۱۹/۸۵	۰/۰۰	۰/۸۳	۸/۰۹	۱۳/۹۷	۰/۰۰	۴۷/۰۶	۱/۴۷	۵/۱۴	۰/۸۳	۲/۹۴	متوسط
۲۷/۲۰	۲/۹۴	۲/۹۴	۱/۴۷	۱۳/۹۷	۰/۸۳	۲۲/۷۹	۰/۸۳	۸/۰۹	۱/۴۷	۱۷/۶۵	پیشرفته
۲۳/۵۳	۱/۴۷	۱/۸۴	۴/۸۸	۱۳/۹۷	۰/۳۷	۳۴/۹۳	۱/۱۰	۶/۶۲	۱/۱۰	۱۰/۲۹	میانگین کل

جایگزینی مورد استفاده از سوی فراگیران متوسط و پیشرفته افعال چند کلمه ای متشکل از فعل و ادات قیدی بود (میانگین = ۹/۵۶ و ۲۲/۷۹).

جدول ۶ به ترسیم انواع ساختارهای جایگزین از سوی فراگیران برای ساختارهای برآیندی سببی جهت پرداخته است. در تولید چنین ساختاری، هر دو گروه عملکرد قابل قبولی از خود نشان دادند (میانگین = ۶۳/۶۰). تنها ساختار

جدول ۶- انواع ساختارهای جایگزین تولید شده در ساختارهای برآیندی سببی جهت

ساختارهای غلط	سایر پاسنهای درست	افعال چند کلمه ای	مصدر	کلمات ربط	افعال سببی	سایر حروف اضافه	جمله‌واره علت	جمله‌واره نتیجه	سایر ساختارهای نتیجه ای	ساختار نتیجه ای صحیح	
۲۵/۷۳	۰/۰۰	۹/۵۶	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۰۰	۶۳/۹۷	متوسط
۱۳/۲۳	۰/۰۰	۲۲/۷۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۶۳/۲۳	پیشرفته
۱۹/۴۸	۰/۰۰	۱۶/۱۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۷	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۳۷	۰/۰۰	۶۳/۶۰	میانگین کل

آن فراگیران از افعال چند کلمه ای استفاده می کردند، در این ساختار غیر سببی هر دو گروه از کلمه ربط (و) به عنوان تنها ساختار جایگزین قابل توجه استفاده نمودند (میانگین = ۱۷/۲۸).

نتایج الگوهای جایگزین به جای ساختارهای برآیندی غیر سببی جهت در جدول ۷ ارائه شده است. همانند ساختارهای سببی جهت، هر دو گروه موفق به تولید این ساختار به میزان قابل قبولی شدند (میانگین = ۶۳/۶۰). برعکس ساختار سببی جهت فوق که در

جدول ۷- انواع ساختارهای جایگزین تولید شده در ساختارهای برآیندی غیرسببی جهت

ساختارهای غلط	سایر پاسنهای درست	افعال چند کلمه ای	مصدر	کلمات ربط	افعال سببی	سایر حروف اضافه	جمله‌واره علت	جمله‌واره نتیجه	سایر ساختارهای نتیجه ای	ساختار نتیجه ای صحیح	
	۰/۸۳	۰/۰۰	۰/۰۰	۱۹/۱۲	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۳	۵۸/۰۹	متوسط
۱۳/۹۷	۰/۰۰	۰/۸۳	۰/۰۰	۱۵/۴۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۳	۶۹/۱۲	پیشرفته
۱۷/۶۵	۰/۳۷	۰/۳۷	۰/۰۰	۱۷/۲۸	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۸۳	۶۳/۶۰	میانگین کل

نتایج مطرح شده در جدول ۸ حاکی از آن است که هیچ کدام از گروه‌ها به درستی قادر به تولید ساختارهای نتیجه‌ای شبه انعکاسی نبودند. میانگین عملکرد صحیح هر دو گروه ۱/۴۷ بود. ساختار جایگزین شده غالب به جای این ساختار از سوی هر دو گروه استفاده از سایر حروف اضافه از قبیل

until و till بود (میانگین=۳۸/۹۷). فراگیران گروه متوسط این ساختار جایگزین را به میزان دو برابر گروه پیشرفته به کار گرفتند. دیگر ساختار جایگزین استفاده شده از سوی هر دو گروه کاربرد جمله‌واره نتیجه بود (میانگین=۱۷/۲۸).

جدول ۸- انواع ساختارهای جایگزین تولید شده در ساختارهای برآیندی شبه انعکاسی

ساختارهای غلط	سایر پاسخهای درست	افعال چند کلمه‌ای	مصدر	کلمات ربط	افعال سببی	سایر حروف اضافه	جمله‌واره علت	جمله‌واره نتیجه	سایر ساختارهای نتیجه‌ای	ساختار برآیندی صحیح	
۱۴/۷۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۴/۴۱	۰/۷۳	۰/۷۳	۵۲/۹۴	۳/۶۸	۱۹/۱۲	۳/۶۸	۰/۰۰	متوسط
۲۶/۴۷	۸/۸۲	۰/۷۳	۴/۴۱	۲/۹۴	۰/۰۰	۲۵/۰۰	۱/۴۷	۱۵/۴۴	۱۱/۷۶	۲/۹۴	پیشرفته
۲۰/۵۹	۴/۴۱	۰/۳۷	۴/۴۱	۱/۸۴	۰/۳۷	۳۸/۹۷	۲/۵۷	۱۷/۲۸	۷/۷۲	۱/۴۷	میانگین کل

نتایج به دست آمده در خصوص ساختارهای جایگزین و غیرقابل قبول نشان داد که هر دو گروه تقریباً به طور مشابهی این ساختارها را به کار می‌برند. رایج ترین ساختار در بین ساختارهای جایگزین استفاده از سایر حروف اضافه بود، کلمات ربط، افعال چندکلمه‌ای و جمله‌واره نتیجه بود. در مقابل، جمله‌واره‌های علت و افعال سببی کمترین ساختارهایی بودند که فراگیران فارسی زبان از آن بهره جستند.

جدای از موارد فوق، فراگیران تا اندازه ای موفق به تولید ساختارهای برآیندی مشخصه ای شدند هرچند که فراگیران پیشرفته (۳۴/۵۵) عملکرد بهتری نسبت به فراگیران متوسط (۱۱/۷۶) از خود نشان دادند. از آنجایی که ساختارهای سببی به طور صریح آموزش داده می‌شود و ساختارهای مشخصه‌ای سببی مشابهت نزدیکی با این ساختارها دارد فرض بر آن است که فراگیران زبان دوم می‌توانند این نوع ساختار را نیز به کار برند. این نتایج بر اهمیت آموزش صریح و همچنین مسائلی از قبیل فرضیه توجه شمیمت (۲۰۰۱ و ۱۹۹۰) تاکید دارد. ادعای شمیمت آن است که "در یادگیری زبان داده‌های ورودی وقتی می‌تواند جذب شود که مورد توجه قرار گرفته و به طور آگاهانه ثبت شود" (شمیمت، ۲۰۱۰، ص ۷۲۱). هنگامی که آموزش صریح نباشد و فراگیران نتوانند متوجه ساختارهای مدنظر شوند یادگیری نیز پیش نخواهد آمد.

۵. بحث و بررسی

سوالات پژوهشی تحقیق حاضر در این قسمت مورد بررسی قرار گرفته است. اولین سوال این پژوهش در مورد میزان فراگیری ساختارهای برآیندی توسط فراگیران فارسی زبان بود. نتایج نشان داد که فراگیران صرفاً قادر به تولید ساختارهای برآیندی سببی و غیر سببی جهتی به میزان قابل توجهی بودند (بالاتر از ۶۰ درصد). همانطور که نتایج تحلیل بابایی (۲۰۱۱) نشان داد افعال حرکتی زبان فارسی ساختارهای برآیندی را شکل میدهد و بر تغییر معنای مکانی دلالت می‌کند. بنابراین استفاده مناسب از ساختارهای جهتی رامی توان به شباهت‌های بین زبانی این ساختار و انتقال از زبان اول (فضیلت فر و صدقی، ۲۰۱۸) مرتبط دانست.

در مورد ساختارهای برآیندی شبه انعکاسی، فراگیران هیچ نوع توانایی تولیدی از خود نداشتند. در حقیقت، تولید فراگیران همانند ساختارهای ناگذرای فاعل ناپذیر بود و در ساختارهای دارای افعال مفعول ناپذیر، فراگیران صرفاً به تولید عبارت برآیندی بدون استفاده از مفعول انعکاسی گرایش داشتند

دومین سوال این پژوهش در مورد نقش زبان اول در یادگیری ساختارهای برآیندی بود. نتایج حاصله در مورد فراگیری ساختارهای شبه انعکاسی در آزمون تولید (ترجمه) حاکی از یادگیری ناموفق ضمائر شبه انعکاسی است. این نتایج نشان می‌دهد که فراگیران قادر به یادگیری آن دسته از ویژگی‌های زبان دوم که به حد کافی در داده‌های ورودی زبان تجربه نشده است نیستند. از اینرو، می‌توان نتیجه گرفت که ویژگی‌های خاص زبان دوم نیازمند آموزش صریح بوده و می‌بایست به صورت مجزا آنها را مورد توجه قرار داد و فرا گرفت.

عملکرد ضعیف فراگیران زبان دوم در ساختارهای برآیندی شبه انعکاسی را می‌توان بر مبنای نکات ذیل مورد توجه قرار داد:

(الف) در منابع آموزشی موجود، مطالب آموزشی مکفی و معتبر در مورد این ساختارها وجود ندارد و در نتیجه آموزش صریح در این زمینه یافت نمی‌شود.

(ب) در دستور زبان فارسی، ساختارهای برآیندی شبه انعکاسی و ضمائر مربوطه غیرمجاز است. مطابق با فرضیه تحلیل مقابله‌ای (لدو، ۱۹۵۷)، در یادگیری زبان دوم بیشتر دشواریها مربوط به ساختارهایی است که کاملاً با زبان اول متفاوت باشد.

(ج) تولید مقوله‌های برآیندی متناسب با ساختارهای ناگذرا با افعال فاعل ناپذیر حاکی از آن است که دستور بینابین فراگیران نسبت به تمایز بین مفعول ناپذیرها و فاعل ناپذیرها حساس نیست. از اینرو، فراگیران نسبت به محاسبات نحوی این دو دسته از افعال ناگذرا درک نادرستی ندارند.

(د) میزان بسامد استفاده از ساختارهای برآیندی مشخصه ای در زبان انگلیسی (اسنایدر، ۲۰۰۱) و توسط فراگیران زبان دوم (هونگ بار، ۲۰۰۵) محدود است. به همین سبب، بسامد پایین و تنوع زیاد ساختاری می‌تواند به استفاده محدود از این ساختار منتج شود.

در این پژوهش، در تولید ساختار مفهومی برآیندی، انواع مختلفی از ساختارهای جایگزین در تمامی مقوله‌ها به

کار برده شد. استفاده از ساختارهای جایگزین در آزمون ترجمه شامل جمله‌واره‌های نتیجه، سایر حروف اضافه، افعال سببی، کلمات ربط، مصدر و افعال چند کلمه‌ای بود. استفاده گسترده از ساختارهای جایگزین بر نقش تاثیرگذار زبان اول دلالت می‌کند. همانطور که قبلاً بیان شد، استفاده از ساختارهای جهتی در زبان فارسی مجاز است ولی استفاده از برخی دیگر از مقوله‌ها مانند ساختارهای خصیصه‌ای با استفاده از گروه صفتی و یا ساختارهای شبه انعکاسی مجاز نیست.

صفری (۲۰۱۳) نشان داد که زبان فارسی فاقد

ساختارهای برآیندی است و بهترین روش برای ترجمه این ساختارها به زبان فارسی استفاده از کلمه ربط "و" است. طبق نظر فولی و همکاران (۲۰۰۵)، استفاده از ساختارهای نتیجه‌ای در زبان فارسی مجاز نیست چرا که این زبان جایگاهی برای گزاره حاکی از نتیجه ثانویه در نظر نگرفته است. از نظر آنها، ساختارهای برآیندی را می‌توان با افزودن عبارت برآیندی "تا + صفت + فعل شدن" شکل داد. جدای از دو مورد فوق، شرکت کنندگان در پژوهش حاضر از ساختارهای جایگزین دیگری نیز برای اشاره به معنای برآیندی استفاده نمودند.

نگاهی دقیق به نوع ساختارهای جایگزین مطرح شده توسط فراگیران فارسی زبان شواهد متقاعد کننده ای را در خصوص تاثیر بین زبانی مفاهیم برآیندی نشان می‌دهد. همسو با نظریات گلدبرگ و جکنداف (۲۰۰۴) و راپورت هواو لوین (۲۰۰۱)، سببی‌های واژگانی مانند افعال *make* و *render* کاملاً بر معنا و شکل نتیجه‌ی دلالت دارند. از سوی دیگر، گرلاچ (۲۰۰۴) اظهار می‌دارد که معنای برآیندی مربوط به بخشی از معناشناسی افعال چند کلمه‌ای است. به هر حال، مفهوم برآیندی غالباً بخشی از ویژگی‌های معنایی ادات قیدی در افعال چند کلمه‌ای است، به ویژه آنکه افعال چند کلمه‌ای حاوی قیود *up* و *down* تا میزان زیادی بر معنای برآیندی دلالت دارند. به کارگیری سببی‌های واژگانی و افعال چند کلمه‌ای به جای ساختارهای برآیندی می‌تواند شاهد تاییدی دیگری بر آگاهی فراگیران از مفهوم برآیندی باشد هرچند که

دارای شکل ظاهری برآیندی نباشد. به همین ترتیب، داوری و نغزگوی کوهان (۲۰۱۴) اظهار می‌دارند که برخلاف اشکال برآیندی، معانی برآیندی در زبان فارسی وجود دارد و از اینرو این نوع آگاهی ناشی از وجود بین‌زبانی معنای برآیندی است.

با توجه به موارد فوق، می‌توان نتیجه گرفت که فراگیران زبان دوم تا حد زیادی ترجیح می‌دهند تا معنای برآیندی را در قالب اشکال زبان مادری خود بیان کنند و از این رو قادر به تولید تعامل معنا-نحو زبان دوم نیستند. این نوع ناتوانی آشکار بر این امر دلالت دارد که فراگیران زبان دوم در فراگیری تعامل نحو-معنا با چالش‌هایی مواجه هستند.

یافته‌های به‌دست‌آمده بر نقش دستور ساختی (construction grammar) تاکید می‌کند. برخی پژوهشگران از قبیل گلدبرگ و جکنداف (۲۰۰۴) بر این باورند که این ساختارها می‌بایست همانند اصطلاحات زبانی به صورتی مجزا فراگرفت چرا که در ساختارهای برآیندی و مخصوصاً ساختارهای مشخصه‌ای مقدار زیادی قواعد خاص وجود دارد. با توجه به دیدگاه ساختی، می‌توان نتیجه گرفت که این نوع ساختارها که به منظور تعامل معنا و نحو و ویژگی‌های مربوطه است را نمی‌توان از طریق اصل کلی استنباط فراگرفت.

به طور کلی، پربسامدترین ساختارهای جایگزین مطرح شده شامل استفاده از سایر حروف اضافه از قبیل *till* و *untill*، جمله‌واره نتیجه (*so that*) و کلمات ربط (*and*) می‌شود. در مقابل، جمله‌واره علت و افعال سببی کم‌بسامدترین ساختارهای ایجاد شده بودند. این امر بر تمایل زیاد فراگیران در استفاده از جمله‌واره نتیجه در مقایسه با کلمات منفرد (*make & render*) و همچنین استفاده از کلمات ربط دلالت دارد.

کسب میانگین بالا در استفاده از سایر حروف اضافه (*till/until*) بجای ساختارهای مشخصه‌ای دربردارنده گروه صفتی نظرات فولی و همکاران (۲۰۰۵) را تایید می‌کند. پیش‌بینی آنها این بود که در این دسته از ساختارهای برآیندی هیچ

جایگاهی برای گزاره سازی ثانویه عبارات برآیندی وجود ندارد و از این رو فراگیران دست به استفاده از جمله‌واره نتیجه می‌زنند تا بتوانند معنای برآیندی را در زبان فارسی منتقل کنند.

تنها ساختار جایگزین تولید شده در ساختارهای برآیندی سببی جهتی، استفاده از افعال چند کلمه‌ای بود که بیشتر توسط دانشجویان پیشرفته به کار برده شد. نتیجه به دست آمده با پژوهش‌های گراچ (۲۰۰۴) و بابایی (۲۰۱۱) مطابقت دارد که بر اساس آن معنای نتیجه‌ای افعال چند کلمه‌ای و افعال حرکتی ترکیبی می‌تواند نشان‌دهنده ساختارهای نتیجه‌ای مکانی انگلیسی باشد. به همین ترتیب، فراگیران زبان دوم به هنگام تولید ساختارهای غیرسببی جهتی صرفاً از کلمات ربط استفاده نمودند. این امر حاکی از درونی سازی یا فراگیری بهتر ساختارهای برآیندی سببی جهتی به علت مشابهت بین زبانی این ساختارها (وچسلر، ۲۰۰۵) و همچنین آموزش صریح ساختارهای سببی است.

در خصوص سوال سوم پژوهش راجع به سطوح دشواری انواع مختلف ساختارهای برآیندی برای فراگیران زبان دوم، سلسله مراتب ذیل برای تولید انواع مختلف ساختارهای نتیجه‌ای در جدول ۹ ارائه شده است.

جدول ۹- سلسله مراتب دشواری تولید ساختارهای برآیندی در آزمون

ترجمه

سطح دشواری	فراگیران پیشرفته	فراگیران متوسط
دشواریترین ↓ آسان‌ترین	برآیندی شبه انعکاسی	برآیندی شبه انعکاسی
	برآیندی غیرسببی	برآیندی غیرسببی
	مشخصه‌ای	مشخصه‌ای
	برآیندی سببی	برآیندی سببی
	مشخصه‌ای	مشخصه‌ای
	برآیندی سببی جهتی	برآیندی غیرسببی جهتی
	برآیندی غیرسببی جهتی	برآیندی سببی جهتی

نتایج آخرین سوال تحقیق راجع به نقش بسندگی زبانی نشان داد که در آزمون ترجمه بسندگی نقش معناداری با عملکرد برتر فراگیران پیشرفته دارد. برتری فراگیران پیشرفته

نسبت به فراگیران سطح متوسط می‌تواند مربوط به این مطلب باشد که فراگیران پیشرفته در معرض ساختارها و داده‌های زبانی بیشتری هستند؛ در نتیجه زبان بینابین آنها نسبت به مسیر انتزاعی محاسبات نحوی مختلف افعال انگلیسی حساس‌تر است. بنابراین، بسندگی زبانی در تولید انواع مختلف ساختارهای برآیندی نقش معناداری دارد.

۶. نتیجه‌گیری

فراگیران زبان دوم در یادگیری ساختارهای برآیندی با برخی چالش‌ها از قبیل تفاوت‌های بین زبانی، تعامل معنا-نحو غیرمجاز در زبان اول، انواع محدودیت‌های توزیعی و فقدان آموزش صریح و داده‌های ورودی غنی مواجه هستند. با در نظر داشتن چالش‌های فوق، پژوهش حاضر به بررسی فراگیری انواع مختلف ساختارهای برآیندی پرداخت. نتایج حاصله حاکی از یادگیری ناموفق ساختارهای خاصی است که در زبان مادری فراگیران زبان دوم وجود ندارد و احتمال آموزش سریع آن بعید به نظر می‌رسد. از اینرو، چنین ویژگی‌هایی که در زبان اول ابراز نشده است نیازمند آموزش صریح است. همچنین فراگیران زبان دوم قادر به تولید تعامل

منابع

معنا متناسب با ساختارهای برآیندی نیستند و مفهوم برآیندی را غالباً از طریق عبارت‌های برآیندی جایگزین دیگری بیان می‌کنند. نتایج بدست آمده مدل استفاده-محور را در فراگیری زبان دوم تایید می‌کند چرا که بسامد اندک و تنوع صوری ساختارهای برآیندی یادگیری و استفاده از ساختارهای سببی خصیصه ای را برای فراگیران زبان دوم دشوار می‌سازد. عملکرد برتر فراگیران پیشرفته در مقایسه با فراگیران متوسط حاکی از آن است که ساختارهای انتزاعی پیچیده و کم بسامد نیازمند در اختیار داشتن داده‌های ورودی متناسب است. این امر نیز به نوبه خود میتواند تاییدی بر مدل استفاده-محور قلمداد شود.

پژوهش حاضر به شناسایی حوزه‌های دشواری پرداخته است که فراگیران در فرایند یادگیری زبان دوم یا ترجمه با آن مواجه می‌شوند. توصیه می‌شود تا معلمان و طراحان مطالب درسی این مشکلات را مد نظر قرار دهند تا در یادگیری و آموزش ساختارهای برآیندی تسهیل شود. این امر به نوبه خود می‌تواند پیامدهایی برای نظریات یادگیری زبان دوم داشته باشد.

Babai, H. (2011). *Lexicalization of Motion Event in Persian. Theory and Practice in Language Studies*, 1(2), 157-162.

Bautista, S., Perez-Nares, Y., Rodriguez-Cordova, Z., Herrera-Sánchez, S. & Perez-

Barriga (2016). *Change-of-state predicates: The acquisition of English resultative constructions by Spanish speakers. ICERI Proceedings*, pp. 8729-8738.

Boas, H. C. (2003). *Resultatives constructions in English and German. Stanford: CSLI Publications*.

Davari, Sh., & Naghzguykohan, M. (2014). *From Resultative to Perfect: Depassivization of Persian Passive Participles. Presented in SLE, Poznan, Poland*.

Follie, R., Harley, H., & Karimi, S. (2005). *Determinants of Event Type in Persian Complex Predicates. Lingua*, 115, 1365-1401.

Goldberg, A. (2003). *Constructions: a New Theoretical Approach to Language. Trends in Cognitive Sciences*, 7(5), 219-224.

Goldberg, A., & Jackendoff, R. (2004). *The English Resultative as a Family of Constructions. Linguistic Society of America Language*, 80(3), 532-568.

Gorlach, M. (2004). *Phrasal constructions and resultativeness in English: a sign-oriented Analysis. Amsterdam: John Benjamins Publication Company*.

Kim, S., Ko, H. & Yang, H.K. (2020). *Telicity and mode of merge in L2 acquisition of*

resultatives. *Language acquisition*, 27(2), 117-159.

Lado, R. (1957). *Linguistics across cultures*. MI: University of Michigan Press.

Lee, C. (1995). Resultative and depictive constructions in English. *SNU Journal of Education Research*, 5, 55-90.

Levin, B. (2013). Resultatives revisited. *Paper presented at Secondary Predication in Formal Frameworks*. Utrecht.

Levin, B., & Rappaport Hovav, M. (1995). *Unaccusativity: at the syntax-lexical semantics interface*. London: The MIT Press Cambridge, Massachusetts.

Levin, B., & Rappaport Hovav, M. (2002). The Semantic Determinants of Argument Expression: A View from the English Resultative Construction. In J. Guéron & J. Lecarme (eds.), *The Syntax of Time*, MIT Press, Cambridge, MA.

Muller, S. (2002). *Complex predicates: Verbal complexes, resultative constructions and particle verbs in German*. Unglued edition ebook.

Nakazawa, T. (2008). Resultative phrase in Japanese as modifiers. In *Proceedings of HSPG 2008*, 1-5.

Randall, J., & Carrier, J. (1992). The Argument Structure and Syntactic Structure of Resultatives. *Linguistic Inquiry*, 23(2), 173-234.

Rappaport Hovav, M., & Levin, B. (2001). An Event Structure Account of English Resultatives. *Language*, 77, 766-797.

Safari, A. (2013). A Frames Approach to English-Persian Translation. *Presented in ICIL5, Bamberg, Germany*.

Schmidt, R. (2010). Attention, awareness, and individual differences in language learning. In W. M. Chan, S. Chi, K. N. Cin, J. Istanto, M. Nagami, J. W. Sew, T. Suthiwan, & I. Walker, *Proceedings of CLaSIC 2010* (pp. 721-737).

Simpson, J. (1983). Resultatives. In *Papers in Lexical-functional Grammar* eds. Lori Levin, Malka Rappaport and Annie Zaenen, 143-157. Bloomington: Indiana University Linguistics Club.

Snyder, W. (2001). On the nature of syntactic variation: Evidence from complex predicates and complex word-formation. *Language*, 77, 324-342.

Towell, R. (2003). Second language acquisition research in search of an interface. In R. v. Hout (Ed.) *The lexicon-syntax interface in second language acquisition* (pp. 1-20). Amsterdam: John Benjamin publishing company.

Wechsler, S. (2005). Resultatives under the event argumentative homomorphism Model of telicity. In N. Erteschik-Shir and T. Rappaport, eds., *The Syntax of Aspect*, Oxford: Oxford University Press.

Whong-Barr, M. (2005). *Morphology, Derivational Syntax and Second Language Acquisition of Resultatives*. Unpublished Doctoral dissertation. Durham University, United Kingdom.

Yuan, B. & Zhao, Y. (2009). Reassembly of features in English speakers' L2 Chinese resultative compound constructions. *Proceedings of the 10th GASLA*, pp. 69-76, Somerville, MA: Cascadilla Proceedings Project.

Zhang, N. (2001). The structures of depictive and resultative constructions in Chinese. *ZAS papers in Linguistics*, 22, 191-221.

فضیلت فر، علی محمد و صدقی، محجوب. (۱۳۹۶). "تحلیل فراگیری افعال کمکی انگلیسی در فارسی زبانان از منظر نظریه انتقال کامل/دسترسی کامل". *پژوهشهای زبانشناختی در زبانهای خارجی*، ۷(۲)، ۵۲۷-۵۵۴.

[doi: 10.22059/jflr.2017.234782.347](https://doi.org/10.22059/jflr.2017.234782.347)

متولیان، رضوان. (۱۳۹۲). "الگوهای کاهش ظرفیت فعلی: شواهدی از زبان فارسی". *فصلنامه مطالعات زبان و گویشهای غرب ایران*، ۱(۳)، ۶۷-۴۹.